



حقوق کیفری اصل است مجازات جزا

محسن شریفی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه تبرستان جالوس

مقدمه:

ترمیم زیان ها و خسارت های وارده و تشفی خاطر بزه دیده و احترام به حس انتقام جویانه وی بودند. (۱) لکن در دوره دوم (بیش از دو سده پیش) آزادی انسان مجرم در گردونه سیاست جنایی به عنوان ضمانت اجرای جرم و ارتکاب جرم مقبول واقع گردید. فی الواقع جد و جهد نظریه پردازان غربی در تنویر افکار عمومی و اقتناع وجدان حکام در پرهیز از مجازات های آبی بدنی و پذیرش کیفر حبس و تعدیل خشونت های بی رویه علیه مجرم، نقطه ی عطفی در تاریخ تحولات حقوق کیفری به شمار می آید.

مطالعه ی سیر تحولات علوم جنایی نشانگر این واقعیت است که در گذشته های بسیار دور مجازات زندان به عنوان مجازات اصلی، چندان مورد اقبال جوامع و حکام قرار نداشته؛ مگر آن که از آن، جهت نگهداری موقت کسانی استفاده می کردند که در انتظار محاکمه و یا اجرای حکم دادگاه به سر می بردند و یا از آن به عنوان حربه ای برای وادار ساختن محکوم علیه به پرداخت جریمه بهره می بردند. (۲) کیفر شناسان در پی کنکاش و تفحص در منابع تاریخی هم چون قانون نامه های باستانی - که از ابتدای سده بیستم قبل از میلاد در منطقه بین النهرین به دست آمده اند- از دوره ای که کیفر زندان فاقد جایگاه اساسی در سیاست جنایی بود و عمده مجازات ها معطوف به تمامیت جسمانی مجرم بود؛ به عنوان دوره اول یاد می کنند. قصاص، اعدام، قطع اعضا و جوارح قبل از این که جنبه ی اصلاحی و درمانی داشته و نقش مؤثری در جامعه پذیری ایفا کند.

در پاسخ به چرایی گرایش به مکانیسم حبس می توان به هدف ناتوان سازی زندانی اشاره کرد؛ حداقل در مدت زمانی که محکوم علیه در زندان استقرار دارد، ناتوان از لطمه و صدمه به اشخاص خارج از زندان خواهد بود. بازدارندگی نیز از دیگر اهدافی است که مدافعان اعمال زندان در ساختار نظام عدالت کیفری، در پی تحقق آن بوده و هستند. مبتنی بر این نظر، گاه نتیجه ی مترتب بر توسل و تمسک به حبس نه تنها بازدارندگی و یا کاهش رفتار بزهکارانه ی مجرم است بلکه زنجاری است برای سایر افراد تا سودای ارتکاب جرم را

بیشتر متضمن

ماهنامه شماره ۶۵، سال یازدهم، آذر و دی ۱۳۸۶





در ذهن خود خنثی کنند. اما هدف اولی و مهمتری که خیل عظیم طرفداران زندان بدان اعتقاد دارند، اصلاح و بازپروری است. توضیح این که در مدت زمانی که محکوم علیه در زندان به سر می برد فرصتی طلایی در اختیار قضات، متولیان زندان و متخصصین و مددکاران قرار گرفته تا هم و غم خود را معطوف و مصروف به تریب، اصلاح و بازپروری و مآلاً بازگشت سرفرازانه وی به جامعه و از سرگیری یک زندگی شرافتمندانه کنند.^(۳) با این همه، تحمیل هزینه ای گزاف بر اقتصاد جامعه، فشار روحی، روانی و اقتصادی بر خانواده مجرم، تبدیل شدن مجرم آماتور و اتفاقی به مجرمی حرفه ایی، تکرار جرم پس از آزادی از زندان، فقدان امکانات لازم و نیروهای متخصص و تربیت ساز، عدم تکافوی تعداد زندان ها در مقابل جمعیت کیفری از جمله انتقاداتی بود وارد بر مجازات حبس، چندان که زمینه ی ورود به دوره سوم از تحولات کیفری را فراهم ساخت؛ دوره ایی که سرمایه و اموال بزهکاران مطمح نظر واقع گردید. البته مجازات های مالی بدون آن که کیفر زندان را از چرخه سیاست جنایی حذف کند، گستره آن را محدود نمود. و بالأخره از حدود سه دهه قبل به این سو شاهد ظهور دوره چهارم از تحولات علوم جنایی هستیم؛ دوره ایی که در صدد تحکیم و تثبیت مفاهیم نوینی هم چون کیفر زدایی، قضای دایی و زندان زدایی بالأخص در خصوص جرایم عمدی سبک و کم اهمیت، جرایم غیر عمدی و نیز جرایمی که توسط جوانان و نوجوانان تحت تأثیر احساسات و اتفاق بروز می یابد، می باشد.

بازداشت های آخر هفته، سیستم نیمه آزادی، مراقبت الکترونیک، نظام روزهای جریمه، سیستم کار جزایی اجباری (کار به نفع جامعه) ممنوعیت های قانونی، تعلیق مراقبتی نمونه هایی از جایگزین های مناسب زندان به شمار می روند که در کشورهای متعددی مثل آلمان، انگلستان، فرانسه، بلژیک، سوئیس، دانمارک، فنلاند... موقعبت قانونی و اجرایی پیدا نموده اند.

شایان ذکر است در پر تو جنبش زندان زدایی، لایحه ای تحت عنوان «لایحه مجازات های اجتماعی جایگزین زندان» که شامل ۳۲ ماده و ۱۴ تبصره است از سوی قوه قضاییه در سال ۱۳۸۴ تقدیم مجلس شورای اسلامی گردیده که با تصویب آن شاهد نقطه ی عطفی در تاریخ حقوق کیفری کشورمان خواهیم بود. چه این که پیش بینی تعداد متنوعی از مجازات های اجتماعی طبقه بندی شده در گروه های چهار گانه دوره مراقبت مواد (۱۸) و (۱۴) خدمات عام المنفعه مواد (۲۴) و (۱۹)، جریمه های قسطی یا جریمه روزانه مواد (۲۷) و (۲۵) و محرومیت از برخی حقوق عمومی (۲۹) و (۲۸) فرایندی است قابل تحسین از برای جایگزینی کیفر حبس های کوتاه مدت و متوسط در جرایم عمدی تا دو سال و حبس های جرایم غیر عمدی. البته باید اذعان داشت به رغم محاسن بی شماری که در لایحه مذکور موج می زند، نواقص، اشکالات و خلأهایی نیز احساس می گردد که در خلال بیان و بررسی اهم جایگزین های زندان، بدان ها اشاره خواهد شد.

۱- بازداشت های آخر هفته

بسیاری از کشورها هم چون آلمان، انگلستان، بلژیک، و فرانسه برای گریز از معایب زندان های کوتاه مدت از قبیل تبدیل مجرمان اتفاقی به دائمی، عدم امکان اعمال برنامه های اصلاحی به علت کوتاهی مدت، تحمیل هزینه ای گزاف بر دوش دولت، متوسل به سیستمی به نام توقیف آخر هفته شده اند. مرتکبین جرایم سبک و اتفاقی به ویژه جوانان به جای تحمل مداوم مدت حبس می توانند تعطیلات آخر هفته را در زندان سپری کنند. گرچه در آلمان حبس های آخر هفته معروف به توقیف جوانان است ولی در مجموع نسبت به دو گروه از مجرمین اعمال می گردد:

۱- جوانان و صغار بین ۱۴ تا ۱۸ ساله که مرتکب جرایم کم اهمیت شده باشند؛

۲- بزرگسالانی که مجازات جرم آن ها

از ۹ ماه زندان کم تر باشد.

این نوع بازداشت ها از ساعت ۲ بعد از ظهر شنبه آغاز و تا ساعت ۷ صبح دوشنبه ادامه می یابد.

(کم تر از ۴۸ ساعت) و چنان چه محکوم علیه در ساعت مقرر خود را جهت اجرای مجازات به سازمان مربوطه معرفی نکند پس از دستگیری روانه زندان شده و به ازای هر روز تعطیل که در حکم محکومیت قید شده وی را به مدت یک هفته در زندان نگه می دارند. شایان ذکر است مجرمان غیر اتفاقی و تکرارکنندگان جرم نمی توانند از این سیستم بهره مند باشند. در کشور انگلستان نیز با اندکی تفاوت همین روند اعمال می گردد. در این کشور توقیف آخر هفته در مورد جوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله ای که فاقد سابقه کیفری شدید

باشند، اعمال می گردد. از آن جایی که اخلاق، رفتار و درجه اصلاح پذیری معیار نبوده و حداکثر مدت توقیف آخر هفته ۱۲ ساعت است می توان نتیجه گرفت رژیم حبس های آخر هفته در این کشور از آلمان هم ساده تر است، جهت بهره وری از استعداد و توانمندی های محبوسین آخر هفته در این کشور، آنان را به کارهایی از قبیل شکستن هیزم، بافتن سبد، نصب ماشین آلات، آموزش رایانه و غیره مشغول می دارند.^(۴)

درباره ی فلسفه ی اتخاذ چنین روش هایی مبدعان و مبتکران امر، تحلیل کرده اند که از یک سو با آزادی محکوم علیه در طول هفته از توقف فعالیت های شغلی و اجتماعی وی جلوگیری نشده و ارتباط مشارالیه با خانواده اش هم چنان پایدار خواهد بود و از دیگر سو در پرتو

نگهداری و توقیف آخر هفته اثر تنبیهی و تأدیبی مجازات مزبور بر روح و روان وی هم چنان محفوظ می ماند. افزون بر این ها چندان که پیشتر هم گفته شد از صرف مخارج و هزینه های غیر ضروری و کم بازده نیز جلوگیری خواهد شد.

متأسفانه سیستم توقیف آخر هفته در قوانین جزایی ایران پیش بینی نگردیده و جایگاهی ندارد. در لایحه مجازات های اجتماعی جایگزین زندان نیز به این مکانیسم واقعی نهاده نشده و به جای آن انجام خدمات عمومی (عام المنفعه) در ساعاتی معین در طول هفته در نظر گرفته شده که جزئیات آن در قسمت های بعدی مقاله بررسی خواهد شد.

۲ - نظام روزهای جریمه

هر چند جزای نقدی به واسطه ی محاسنی هم چون مبری بودن از معایب زندان (به ویژه فساد اخلاقی ناشی از تماس مجرم با سایر مجرمین خطرناک و حرفه ای)، تناسب با درجه تقصیر جزایی خاصی، کمک به خزانه ی دولت و ابقای آثار آن بر روی مجرم تا مدتی مدید، جایگاه مهمی در میان طیف گسترده ی مجازات ها پیدا نموده^(۵) اما در بسیاری از کشورها مولد مشکلات و معضلاتی نیز بوده است؛ چندان که مجرمین فقیر و ناتوان به جهت عدم امکان پرداخت جریمه نقدی روانه زندان می گردند و این یعنی دور بیهود و باطل، از این رو در کشورهای مثل اسکانندیناوی جهت فروگشایی از این معضل، سیستم ارزنده ی روزهای جریمه ابداع شده تا مجازات را با اوضاع مالی و اقتصادی مجرم تطبیق دهند. از باب مثال در کشور سوئد در دو مرحله این فرایند به منصفه ی اجرا گذاشته می شود؛ در مرحله نخست قاضی با توجه به نوع و درجه ی اهمیت جرم تعداد روزهای جریمه را از

میان حداقل و حداکثر از پیش لحاظ شده توسط قانون گذار، معین می نماید؛ به عنوان مثال اگر برای نقض مقررات رانندگی یک روز تاسی روز جریمه معین شده باشد، قاضی برای رانندگی در حال مستی ۲۰ روز جریمه را در نظر می گیرد و اما در مرحله دوم قاضی متناسب با درآمد مجرم مبلغ جریمه ی روزانه را تعیین می کند. توضیح این که مخارج وی و خانواده اش را از مجموع درآمد روزانه کنار گذاشته و مابقی را به عنوان جریمه در تعداد روزهایی که در نظر گرفته، ضرب می نماید.^(۶)

در نمونه ی مذکور اگر درآمد روزانه مجرم را ۹۰۰۰ تومان تصور کنیم، از این مبلغ ۶۰۰۰ تومان برای تأمین مخارج مجرم و عائله اش کنار گذاشته شده و الباقی یعنی مبلغ ۳۰۰۰ تومان در عدد ۲۰ ضرب شده تا مبلغ ۶۰۰۰۰ تومان به عنوان جریمه تعیین گردد. شایان توجه است در کشورهای مثل فرانسه سیستم روزهای جریمه بر پایه ی مجموع درآمد روزانه مجرم استوار است. البته برای رعایت حال مرتکبین جرایم غیر عمدی قاضی دادگاه اختیار تقسیط جریمه را دارد. خوشبختانه در لایحه ی مجازات های اجتماعی جایگزین زندان در مواد ۲۷-۲۵ از فصل چهارم، جزای نقدی روزانه پیش بینی گردیده که در صورت تصویب در مجلس شورای اسلامی گام مؤثری در تحقق عدالت کیفری برداشته خواهد شد؛ چه این که اهداف حبس زدایی و انطباق پرداخت جزای نقدی را متناسب با درآمد محکوم علیه به طور توأمان دنبال می نماید. شمار روزهای پرداخت جزای نقدی وفق بند «الف» ماده (۲۵) لایحه مذکور از ده تا

متأسفانه سیستم

توقیف آخر هفته در قوانین جزایی ایران پیش بینی نگردیده و جایگاهی ندارد.

در لایحه مجازات های اجتماعی جایگزین زندان نیز به این مکانیسم واقعی نهاده نشده و به جای آن انجام خدمات عمومی (عام المنفعه) در ساعاتی معین در طول هفته در نظر گرفته شده

صد و هشتاد روز به ویژه جرایمی است که حداکثر مجازات قانونی آن ها تا شش ماه حبس می باشد و از صد و هشتاد تا سیصد و شصت روز مخصوص جرایمی است که مجازات قانونی آن ها بیش از شش ماه تا دو سال حبس می باشد و در مورد حداکثر میزان جزای نقدی روزانه، مطابق بند «ب» همین ماده باید یک چهارم درآمد روزانه ی محکوم علیه را لحاظ کرد. امکان تقسیط جزای نقدی روزانه توسط دادگاه نشان از اوج درک و واضعان این لایحه از وضعیت محکوم علیه کم درآمد می باشد که در ماده (۲۶) تجلی یافته است. اضافه می نماید شلاق زدایی تعزیری نیز در پرتو جایگزین مناسبی هم چون جزای نقدی روزانه در بند «الف» از ماده (۲۵) لایحه موصوف، اقدامی است شایسته در زدودن یکی از بارزترین مجازات های تزدیلی.

و اما پرسشی که در این قسمت فرار روی ماست این است که سیستم جزای نقدی روزانه در خصوص مجرمانی که فاقد اشتغال و درآمدند، قابلیت اعمال دارد؟



پاسخ این پرسش بدون تردید منفی است در نتیجه چاره ای نیست مگر این که قاضی پرونده ذهن خود را معطوف به سایر جایگزین ها مثل خدمات عمومی نموده و از آن ها استفاده نماید.

۳- خدمات عمومی (کار جزایی)

کارهای عام المنفعه و خدمات عمومی نیز از جمله راه کارهایی است که به خوبی قادر است به عنوان خلف شایسته ی زندان ایفای نقش کند. این سخن که بیشتر کسانی که امروزه در کشورهای مختلف جهان به سر می برند مرتکب جرایمی هستند که می توان آن ها را جرایم غیر جدی محسوب کرد، دور از واقعیت نیست. فلذا ارجح آن است که به جای مشاهده ی اثرات مخرب و زیان بار زندان بر شخصیت مجرم که به واقع داروی بدتر از درد نام دارد، از استعداد، دانش، تجربه و تخصص وی به نفع جامعه استفاده ی بهینه شده تا بدین طریق دین خود را به جامعه ادا کند. انجام کار جزایی یا کار به نفع جامعه ریشه ایی نسبتاً قدیمی دارد. در فرانسه در نیمه دوم قرن ۱۹ میلادی طرح تبدیل زندان های کوتاه مدت به روزهای کار جزایی به مجلس ملی تقدیم گردید. در اسپانیا از سال ۱۹۴۴ به این سو به موجب ماده (۱۰۰) مجموعه قوانین جزایی، سیستم کار اجباری برای زندانیان مورد قبول واقع و اعمال شد؛ بدین ترتیب که محکومین حبس های کوتاه مدت به جای هر یک روز زندان باید دو روز کار بدنی یا فکری برای دولت انجام دهند.^(۷) اعمال این شیوه در اوضاع احوال شیوع فقر و بیکاری، نسبت به دیگر مکانیسم هایی هم چون جزای نقدی نتایج بهتری را به بار خواهد آورد.

داستان خدمات عامل المنفعه در زیمباوه نیز از سال ۱۹۹۲ شروع شده است؛ زمانی که جمعیت کشور حدود

۱۰ میلیون نفر و ظرفیت اسمی زندان های موجود ۱۶۰۰۰ نفر بود اما جمعیت واقعی آن ها بالغ بر ۲۲۰۰۰ نفر رسیده بود. در طرح خدمات عام المنفعه هر گونه کاری که در جهت منافع عمومی باشد، در این کشور به مجرمان واگذار می گردد؛ انجام کارهایی از قبیل چمن زنی، کارهای ساختمانی و تعمیرات، حفاظت و نگهداری از پارک ها، باغ ها و مؤسسات عمومی و استفاده از نیروی ذهنی و تخصص افراد در زمینه های مختلف مهندسی، پزشکی، معلمی و غیره.^(۸)

خوشبختانه رویکرد نوین قوه قضاییه به سوی خدمات عام المنفعه در پرتو سیاست زندان زدایی و شلاق زدایی تعزیری در فصل سوم از لایحه مجازات های اجتماعی جایگزین زندان، مبرهن و آشکار است. مدت انجام خدمات عمومی وفق بند «ب» ماده (۲۰) این لایحه حداکثر دو سال و ساعات تخصیص یافته برای این امر در جرایمی که حداکثر مجازات قانونی آن ها تا شش ماه حبس یا شلاق تعزیری است، از ۹۰ تا ۱۸۰ ساعت و در جرایمی که حداکثر مجازات قانونی آن ها بیش از ۶ ماه تا ۲ سال است، از ۱۸۰ تا ۷۲۰ ساعت خواهد بود. البته از آن جهت که ساعات خدمات عمومی بیش از ۸ ساعت کار روزانه برای افراد بیکار و برای افراد شاغل مجموع ساعات این خدمات و ساعات کاری آنان از ۱۲ ساعت کار روزانه تجاوز نخواهد کرد، مانعی برای کسب و کار معمول فعلی و آینده ی آنان نخواهد بود (تبصره ماده ۲۰). هم چنین باید توجه داشت خدمات عام المنفعه برای محکوم علیه دستمزدی به یار نخواهد آورد و دقیقاً به همین دلیل است که اعمال این سیستم مشروط به رضایت وی می باشد (ماده ۱۹ و تبصره ۱). و بالأخره ضمانت اجرای تخلف محکوم علیه از انجام خدمات

عمومی در ماده (۲۳) لایحه موصوف، معین شده است؛ به گونه ای که خودداری کننده برای مرتبه اول حداکثر تا ۹۰ ساعت مازاد، به انجام خدمات ادامه خواهد داد و در صورت تکرار، به پیشنهاد قاضی اجرای مجازات های جایگزین زندان و تصمیم دادگاه صادر کننده حکم بدوی به جای خدمات عمومی معین شده به مجازات مقرر قانونی محکوم خواهد شد. البته در صورت تبدیل حکم به زندان، مدت آن از حداکثر مدت مقرر قانونی و هم چنین از مدت باقی مانده دوره خدمت عمومی فراتر نخواهد رفت.

۴- تعلیق تعقیب و تعلیق مراقبتی
قرار تعلیق تعقیب- که قراردادی است بین مرجع قضایی و متهم- تدبیری است بازدارنده برای پیشگیری از وقوع جرم در آینده. به عبارت دیگر نهاد تعلیق تعقیب انعکاسی است از سیستم موقعیت داشتن تعقیب کیفری که از قرن گذشته در کشورهای اروپایی جایگاه خود را پیدا نمود (مثلاً فرانسه در سال ۱۹۵۸) و سپس مورد اقبال سایر کشورها واقع شد. در کشور ما این نهاد اول بار در سال ۱۳۵۲ وفق ماده (۴۰) مکرر قانون تسریع دادرسی مورد پذیرش واقع گردید و سپس در سال ۱۳۵۶ مقررات تعلیق تعقیب با تدوین شرایط جامع، به دادسان اختیار داد تا چنان چه متهم فاقد سابقه کیفری مؤثر بوده و به ارتکاب جرم نیز مقرر باشد و از سویی پای مدعی خصوصی هم در میان نباشد، تعلیق جزایی وی را معلق نماید.^(۹) متأسفانه تعلیق تعقیب در نظام فعلی جزایی کشور ما جایگاهی ندارد. لایحه مجازات های اجتماعی جایگزین زندان هم به رغم همه محاسن خود در این خصوص چاره اندیشی نکرده تا هم چنان این راهکار مهم در پرده ی مخاق باقی بماند.

قانون گذار باید به این حقیقت رهنمون شود و در روند احیای دادسراها این اختیار را به دادستان ها تفویض کند تا آن ها بتوانند ضرورت یا عدم ضرورت تعقیب متهم را بررسی کنند. مقامات تعقیب می توانند با بهره گیری از مددکاران، دستور سازش دهند تا چنان چه آفاقه نمود تعقیب متهم به کلی منتفی گردیده و انگ بزهکاری به وی اصابت نکند. بدینسان توسیع دامنه ی اختیارات دادستان ها می تواند ضمن جلوگیری از تأثیر سوء زندان بر متهم به ویژه در جرایم کوچک و کم اهمیت موجب کاهش بار رسیدگی دادگاه های جزایی گردد.^(۱۰) البته جهت نتیجه بخشی بهتر، توصیه می گردد تعقیب متهم همراه با شروط و دستوراتی باشد؛ مثلاً به فرد معتاد اعلام شود خود را تحت درمان و معالجه قرار دهد و شرط شود در صورت تخلف، تعقیب جزایی او از سر گرفته خواهد شد. فرآیند دیگری که در راستای تحقق اصل تفرید مجازات ها و نیز در مسیر جنبش زندان زدایی مفید فایده و مؤثر در مقام است، همانا تعقیب مراقبتی می باشد. این سیستم فی الواقع یک نوع روش اصلاحی و تربیتی است که برای مجرمین غیر خطرناک نتایج مثبتی را در پی دارد. لازم به ذکر است تعقیب مراقبتی با تعقیب ساده که محکوم علیه به هیچ وجه تحت نظارت و کنترل نبوده و از هیچ گونه راهنمایی و کمک مأموران مسئول جهت اصلاح اخلاق و رفتار خود استفاده نمی کند، تفاوت داشته و از این حیث بر آن رجحان دارد. در کشورهایی هم چون فرانسه روش تعقیب مجازات توأم با آزمایش و مراقبت بدین گونه است که محکوم علیه را در اختیار یکی از مددکاران اجتماعی و یا مأموران وابسته به اداره نظارت بر تعقیب مجازات، گذاشته و مورد کنترل و مراقبت دائمی قرار می دهند تا

وظایف خود را به وجه نیکو انجام دهد. در این سیستم محکوم علیه تحت امتحان قرار گرفته و باید ثابت کند که منش، سلوک و رفتارش تغییر یافته و دچار اصلاحات شده است^(۱۱) به علاوه در طول مدت تعلیق، کمیته ی مراقبت و آزمایش - که تحت ریاست قاضی اجرای مجازات ها قرار داد - نظارت دقیق خود را بر حسن جریان امور اعمال می نماید. متأسفانه در قوانین موضوعه ایران نهاد ارزنده ی تعلیق مراقبتی مطمح نظر قانون گذار قرار نگرفته است. شایسته بود لایحه مجازات های اجتماعی جایگزین زندان رافع این نقیصه و پرکننده این خلا باشد که متأسفانه این چنین عمل نکرده است. واضعان لایحه موصوف باید ایمان پیدا می کردند که تعلیق مراقبتی اولاً، به صلاح محکوم علیه تمام می شود؛ چه این که با صدور قرار تعلیق فرصتی دوباره و حیاتی به وی اعطا می گردد تا با تجدیدنظر در رفتار نابهنجار و غیر اجتماعی گذشته به فعالیت های سالم اجتماعی خود استمرار بخشیده و کانون گرم خانواده خویش را نیز از کف نهد و ثانیاً، اجرای تعلیق مجازات النهایه به نفع جامعه تمام می شود؛ چرا که برنامه های اصلاحی و تربیتی که کمیته ی مراقبت دنبال می نماید موجبات دوباره اجتماعی شدن مجرم و عدم تکرار جرم در آینده را توسط وی فراهم می سازد.^(۱۲) در پایان این قسمت ذکر این نکته خالی از فایده نیست که نباید تصور کرد ماده (۲۹) قانون مجازات اسلامی با توجه به شمارش دستوراتی که دادگاه می تواند صادر کند، معرف تعلیق مراقبتی است؛ زیرا تعلیق مراقبتی چندان که گفته شد زمانی مفهومی دارد که کمیته ای به نام کمیته تعلیق و مراقبت،

فوش بفتانه (ویکر)

نویسنده قوه قضائیه به سوی
فدمات عام المنفعه در پرتو
سیاست زندان زدایی و شلاق
زدایی تعزیری در فصل سوم از
لایحه مجازات های اجتماعی
جایگزین زندان، مبرهن و
آشکار است.

سرپرستی و نظارت خود را با بهره گیری از کارشناسان و مددکاران خبره در روند اصلاح و تربیت و جامعه پذیری محکوم علیه به وجه نیکو اعمال نماید و حال آن که چنین نهاد و تشکیلاتی در سیستم تعلیق کشور ما پیش بینی نگردیده است؛ وانگهی تعلیق مراقبتی یا Probation بدون اعلام حکم محکومیت صادر می شود، در صورتی که ماده (۲۹) و دستورات ذیل آن متعاقب حکم محکومیت موقعیت اجرا پیدا می نمایند.

در کشورهای پیشرفته سازمان تعلیق مراقبتی از مجموعه ایی از افراد ذی صلاح و متخصص تشکیل گردیده و دارای دو بخش کلی است. یکی متخصصین تشخیص و دیگری مددکاران اجتماعی که باید در طول مدتی که دادگاه مشخص کرده، با فرد مجرم زندگی کنند. در انگلستان در حد فاصل سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۹ در مجموع ۴۱۳۶۹ نفر مشمول تعلیق مراقبتی شده اند و این رقم در کشور ژاپن در همان فاصله زمانی ۷۹۸۹۱ نفر بوده است و به طور کلی در کشورهای

**بدون تردید جهت اعمال
جایگزین های زندان، فرهنگ
سازی و ارتقا سطح تفکر آحاد
جامعه موضوعی میاتی و غیر قابل
اجتناب است؛ زیرا هنوز هم در
اذهان و افواه عمومی بسیاری
از مردم، گسیل داشتن محکوم
علیه به بند و زندان امری
واجب و ضرورت تلقی
می گردد**

مختلف حسب مورد بین مدت ۶ ماه تا ۵ سال مجرمین تحت مراقبت قرار می گیرند.^(۱۳) و ما هم چنان امیدواریم حرکت تحول خواهانه ی قوه قضاییه و نظام قانون گذاری کشورمان منجر به هویت بخشیدن به سیستم تعلیق مراقبتی همگام با دیگر کشورهای پیشرو گردد.

۵- محرومیت از حقوق اجتماعی (ممنوعیت های قانونی) در مدت معین ممنوعیت های قانونی هم چون انفصال از مشاغل دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی، ممانعت از اشتغال به شغل یا مشاغل معین، محرومیت از رانندگی، محرومیت معامله با دستگاه های دولتی و غیره (البته در مدت معینی که مقرر شده) در گذشته به عنوان مجازات های تکمیلی و تبعی نمود پیدا کرده بود؛ کما این که مواد (۶۲)، (۲۰) و ۱۹ مکرر قانون مجازات اسلامی نیز گویای این واقعیت است. لکن امروزه متعاقب مطالعات و بررسی های مجدد در

بیشتر کشورهای مترقی این نوع ممنوعیت ها و محرومیت ها از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات های اصلی جایگزین زندان های کوتاه مدت در جرایم عمدی و زندان های ناشی از جرایم غیر عمدی پذیرفته شده اند. با کمال مسرت باید گفت لایحه «مجازات های اجتماعی جایگزین زندان نیز با درک درست» از رویه جاری در این کشورها (مثل فرانسه و برخی ایالات کشور، ایالات متحده آمریکا) در ماده (۲۸)، دوازده مورد از انواع محرومیت های اجتماعی را به عنوان بدیل مناسب زندان پیشنهاد و به دادگاه اختیار داده تا محکوم علیه را برای مدت معین - به شرحی که قید شده- از یکی از حقوق اجتماعی محرم سازد و به عنوان ضمانت اجرای تخلف از سوی محکوم علیه، توسط قاضی اجرای مجازات اجتماعی، برای بار اول تا ۲/۱ حداکثر مدت مقرر برای آن محرومیت، بر مدت آن افزوده خواهد شد و در صورت تکرار، چنان چه قاضی مذکور دیگر مجازات های جایگزین را مفید و مناسب تشخیص ندهد، پیشنهاد خود را تقدیم دادگاه صادر کننده حکم بدوی نموده، تا به جای محرومیت مربوطه مجازات مقرر قانونی را علیه وی اعمال کند.

نتیجه گیری

۱- آن چنان که امروزه مسلم گردید، بازماندن از کار و فعالیت، اضمحلال کانون خانواده، تبدیل شدن مجرمین اتفاقی به دائمی، افسردگی و ابتلا به انواع مرض های روحی و جسمی، معضل اعاده حیثیت اجتماعی (حتی با وجود اعاده حیثیت قانونی)، تحمیل هزینه گزاف بر دولت و جامعه، از جمله معایب زندان به شمار می روند؛ چندان که چرخش سیاست

جنایی به سوی اعمال جایگزین هایی مناسب را بالأخص در خصوص حبس های کوتاه مدت اجتناب ناپذیر می نماید.

۲- مکانیسم های موجود در قوانین جزایی ایران از قبیل تبدیل مجازات، مجازات نقدی، تعلیق اجرای کیفر آزادی مشروط گر چه پسندیده و قابل توجه اند لکن افزایش فزاینده ی جمعیت کیفری زندان ها به رغم تدابیر مذکور، راهکارهای نوینی را در این عرصه طلب می نماید.

۳- تدابیری مثل توقیف آخر هفته، تعلیق مراقبتی، نظام روزهای جریمه، ممنوعیت های قانونی، توقیف در منزل، کارهای عام المنفعه، کاهش موارد صدور قرار بازداشت موقت اجباری و اهتمام بیشتر به صدور قرار کفالت در کاهش بار زندان های کشور و تحمیل اثرات سوء آن ها بر محکوم علیه، خانواده وی، جامعه و دولت تأثیر مؤثر و غیر قابل انکاری خواهد داشت.

۴- بدون تردید جهت اعمال جایگزین های زندان، فرهنگ سازی و ارتقا سطح تفکر آحاد جامعه موضوعی حیاتی و غیر قابل اجتناب است؛ زیرا هنوز هم در اذهان و افواه عمومی بسیاری از مردم، گسیل داشتن محکوم علیه به بند و زندان امری واجب و ضرورت تلقی می گردد. این نوع طرز تلقی و تفکر به جهت عدم آگاهی و وقوف عموم جامعه نسبت به مضرات و مفساد زندان به ویژه در خصوص جوانان، نوجوانان و مجرمانی است که به نحو اتفاقی مرتکب بزه شده اند. نتیجتاً قوه قضاییه، رسانه ها، مطبوعات و عموم اندیشمندان وظیفه دارند قبل از به کار بستن تدابیر جانشین زندان با فرهنگ سازی، زمینه ی پذیرش و مقبولیت عمومی را در این خصوص فراهم سازند.

۵- اکنون زمان آن فرارسیده تا

قانون گذار از جرم انگاری های غیر ضروری دست برداشته تا نتیجه ی قهری و طبیعی این رویکرد عدم محکومیت به هر مجازاتی از جمله حبس باشد؛ فی المثل سهم قابل توجهی از جمعیت کیفری زندان را محکومان صدور چک بلامحل تشکیل می دهند. از آن جایی که صادر کننده چک صرفاً و ماهیتاً بدهکار دارنده ی آن محسوب شده و فاقد سوء نیت و عنصر شریرانه است، مستحق تحمل ضمانت اجراهای حقوقی و غیر کیفری است نه زندان. از این رو ضروری است قانون گذار با اتخاذ ضمانت اجراهای حقوقی (حتی المقدور) فرآیند جرم زدایی را توسعه بخشد.

۶- لایحه مجازات های اجتماعی جایگزین زندان که از سوی قوه محترم قضاییه تنظیم و تقدیم مجلس شورای اسلامی گردیده از ابتکارات بدیع و از نوآوری های تحسین برانگیزی محسوب می شود که در صورت تصویب، اثرات مفید آن عاید کل جامعه خواهد شد. واضعان این لایحه که بی شک از زبده ترین دانشمندان علوم جنایی محسوب می شوند، هم گام و هم سوبا جنبش جهانی زندان زدای، مکانیسم های دوره مراقبت، خدمات عمومی، جزای نقدی روزانه و محرومیت موقت از حقوق اجتماعی را به عنوان جایگزین های مناسب زندان پیشنهاد کرده اند.

۷- علی رغم اهمیت و فواید شایانی که لایحه «مجازات های اجتماعی جایگزین زندان» دارد، نواقص و معایبی را هم با خود به همراه داشته که جا دارد مجلس محترم شورای اسلامی بدان توجه نشان دهد. به عنوان نمونه سمت و سوی سیاست لایحه مزبور معطوف به زمان محکومیت است. در حالی که سهم عمده ایسی از تراکم جمعیت کیفری زندان در کشور ما مربوط

به قبل از محکومیت است؛ مثل صدور قرارهای بی رویه بازداشت موقت که جاداشت نظریه پردازان این لایحه نسبت به این موضوع نیز حساسیت به خرج می دادند. عدم پیش بینی سیستم ارزنده تعلیق مراقبتی و توقیف آخر هفته نیز از خلاهای محسوس لایحه موصوف به شمار می رود.

۸- بسیار شایسته بود که عنوان «لایحه جایگزین های زندان» به جای «لایحه مجازات های اجتماعی جایگزین زندان» که از جامعیت بهتری برخوردار است، انتخاب می شد؛ چرا که یک سیاست حبس زدایی موفق آن است که در برگیرنده هر دو محکومین کیفری و غیر کیفری (محکومین مالی) باشد. آیا رواست که برای محکومین به زندان چاره اندیشی شود لکن در خصوص اندوه کسانی که به واسطه عدم تمکن مالی برای پرداخت مهریه های گزاف یا هر نوع محکومیت مالی دیگر روانه زندان می گردند، تدابیر جایگزین اندیشیده نشود؟

پی نوشت ها:

- ۱) احمدی موحد، اصغر، اجرای احکام کیفری، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۱۶۳.
- ۲) نجفی ابرند آبادی، دکترعلی حسین، راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶، صص ۱۱۰ و ۱۱۱.
- ۳) جمعی از پژوهشگران، ویرایش: نروال موریس، داوید جی روتمن، ترجمه محمدرضا گودرزی بروجردی، نشر میزان، سال ۱۳۸۴، صص ۲۰ و ۲۱.
- ۴) صلاحی، جاوید، کیفرشناسی، انتشارات سحوری، چاپ سوم، سال ۱۳۸۲، صص ۱۰۸ الی ۱۱۲.
- ۵) افراسیابی، اسماعیل، حقوق جزایی عمومی، جلد دوم، انتشارات فردوسی، چاپ اول، سال ۱۳۷۷، ص ۲۴۷.
- ۶) صلاحی، جاوید، منبع پیشین، صص ۱۱۹-

۱۱۸.

(۷) صلاحی، جاوید، مأخذ پیشین، صص ۱۲۲-

۱۲۱.

(۸) گاروه، پادنیگتون، خدمات عام المنفعه در زیمبابوه و کشورهای آفریقایی، در مجموعه مقالات بررسی راه های جایگزین مجازات حبس، چاپ اول، پاییز، ۱۳۸۱، ص ۷۲.

(۹) مدنی، دکتر سید جلال الدین، آیین دادرسی کیفری، انتشارات پایدار، چاپ سوم، مهر ۸۵، ص ۴۱۷.

(۱۰) آشوری، دکتر محمد، مأخذ پیشین، ص ۸۹.

(۱۱) صلاحی، جاوید، مأخذ پیشین، ص ۱۲۸.

(۱۲) ولیدی، دکتر محمد صالح، بایسته های حقوق جزای عمومی، انتشارات خورشید، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۲۹۴.

(۱۳) آقای نی، دکتر حسین، بررسی نظام تعلیق مراقبتی، مجموعه مقالات بررسی راه های جایگزین مجازات حبس، انتشارات راه تربیت، ۱۳۸۱، ص ۱۰۸.

منابع:

- ۱) احمدی موحد، اصغر، اجرای احکام کیفری، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۳، زمستان.
- ۲) افراسیابی، اسماعیل، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، انتشارات فردوسی، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- ۳) بررسی راه های جایگزین مجازات حبس (مجموعه مقالات)، انتشارات راه تربیت چاپ اول، پاییز ۱۳۸۱.
- ۴) جمعی از پژوهشگران، ویرایش، نروال موریس، داوید جی روتمن، تاریخچه زندان، نشر میزان، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۴.
- ۵) قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵.
- ۶) لایحه مجازات های اجتماعی جایگزین زندان، مصوب سال ۱۳۸۴.
- ۷) مجموعه مقالات راه کارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- ۸) مدنی، دکتر سید جلال الدین، آیین دادرسی کیفری، انتشارات پایدار، چاپ سوم، مهر ماه ۱۳۸۵.
- ۹) ولیدی، محمد صالح، بایسته های حقوق جزای عمومی، انتشارات خورشید، چاپ اول، ۱۳۸۲.